

## The Effect of Board Characteristics and Company Size on Tax Transparency<sup>1</sup>

Azadeh Maddahi<sup>2</sup>

Received: 2024/01/27

Accepted: 2024/05/15

Research Paper

### Abstract

The purpose of this research is to investigate the effect of board characteristics and company size on tax transparency. Tax transparency means properly measuring, presenting and disclosing the amount of tax in the financial statements. Tax transparency, in addition to the proper fulfillment of the company's social responsibility (from the perspective of identifying and paying tax obligations according to the tax law), will help the investors and tax system policymakers to make appropriate decisions. In this research, tax transparency was measured with five criteria (disclosure of tax status, absence of material distortions in tax reserve, absence of significant ambiguity regarding taxes, absence of material annual adjustments for tax, and speed in determining the final tax filing). Also, the effect of the board characteristics on two levels, including the level of the components of board characteristics (size, independence and financial knowledge of the board, the non-executive chairman and the non-duality of the role of the CEO) and the level of the combined criteria of characteristics, were tested with the correlation research method. Results showed that the combined measure of the characteristics has a direct impact on tax transparency. At the component level, the size and financial knowledge of the board have a direct impact, but independence of the board, non-duality of the CEO's role, and the non-executive chairman do not have a significant impact on tax transparency; Company size also has no significant effect on tax transparency.

**Keyword:** Tax Transparency, Board Characteristics, Company Size.

**JEL Classification:** M41, M42, M48.

---

1. doi: 10.22051/jera.2024.30065.2636

2. Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). (a.maddahi@alzahra.ac.ir).



## تاثیر ویژگی‌های هیات‌مدیره و اندازه شرکت بر شفافیت مالیاتی<sup>۱</sup>

### آزاده مداحی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: 1402/11/07

تاریخ پذیرش: 1403/02/26

مقاله پژوهشی

#### چکیده

هدف این تحقیق، بررسی تاثیر ویژگی‌های هیات‌مدیره و اندازه شرکت بر شفافیت مالیاتی است. منظور از شفافیت مالیاتی، اندازه‌گیری، ارائه و افشای مناسب مبلغ مالیات در صورت‌های مالی است. شفافیت مالیاتی، علاوه بر آن که ایفای مناسب مسئولیت اجتماعی شرکت (از منظر شناسایی و پرداخت تعهدات مالیاتی طبق قانون مالیات) را در پی خواهد داشت، به تصمیم‌گیری مناسب سرمایه‌گذاران و در نهایت سیاست‌گذاران نظام مالیاتی کمک‌شایانی خواهد نمود. در پژوهش حاضر، شفافیت مالیاتی با پنج معیار (افشای اطلاعات وضعیت مالیاتی، نبود تحریف بااهمیت در ذخیره مالیات، نبود ابهام بااهمیت در خصوص مالیات، نبود تعدیلات سنواتی بااهمیت بابت اصلاح مالیات و سرعت در تعیین تکلیف نهایی پرونده مالیاتی) سنجش شد. همچنین تاثیر ویژگی‌های هیات‌مدیره در دو سطح، شامل سطح مؤلفه‌های ویژگی‌های هیات‌مدیره (اندازه، استقلال و دانش مالی هیات‌مدیره، غیرموظف بودن رئیس هیات‌مدیره و عدم دوگانگی نقش مدیرعامل) و سطح معیار ترکیبی ویژگی‌ها، با روش پژوهش همبستگی مورد آزمون قرار گرفت.

نتایج نشان داد معیار ترکیبی ویژگی‌های هیات‌مدیره، بر شفافیت مالیاتی تاثیر مستقیم دارد و هر چه هیات‌مدیره امتیاز بیشتری از نظر اندازه، استقلال، دانش مالی، عدم دوگانگی نقش مدیرعامل، و غیرموظف بودن رئیس هیات‌مدیره اخذ نماید، شفافیت مالیاتی شرکت افزایش می‌یابد. در سطح مؤلفه‌ها، اندازه هیات‌مدیره و دانش مالی هیات‌مدیره تاثیر مستقیم بر شفافیت مالیاتی دارند، اما استقلال هیات‌مدیره، عدم دوگانگی نقش مدیرعامل و غیرموظف بودن رئیس هیات‌مدیره تاثیر معناداری بر شفافیت مالیاتی ندارند؛ اندازه شرکت نیز شرکت تاثیر معنی‌داری بر شفافیت مالیاتی ندارد.

**واژه‌های کلیدی:** شفافیت مالیاتی، ویژگی‌های هیات‌مدیره، اندازه شرکت.

طبقه‌بندی موضوعی: M41, M42, M48.

1. doi: 10.22051/jera.2024.30065.2636

2. استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).  
(a.maddahi@alzahra.ac.ir)

## مقدمه

در سال‌های اخیر، انجام اصلاحات جدی در نظام مالیاتی مورد توجه سیاست‌گذاران و متولیان نظام مالیاتی قرار گرفته و «طرح جامع مالیاتی» در این راستا کلید خورده است. اهدافی که در «طرح جامع مالیاتی» دنبال می‌شود عبارت از افزایش درآمدهای مالیاتی، بهبود ملموس در نظام مالیاتی از طریق افزایش سرعت، سهولت و شفافیت مالیاتی و افزایش رضایت مؤدیان مالیاتی است که همگی بر اساس سند برنامه ششم و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تعیین شده‌اند (جلیلی و خوشدلی، 1397). از منظر استانداردهای حسابداری نیز سازمان حسابرسی، استاندارد "مالیات بر درآمد" را در سال 1397، بر اساس استاندارد بین‌المللی حسابداری 12 تصویب و ابلاغ نمود که در آن نحوه عمل حسابداری مالیات بر درآمد شامل چگونگی به حساب گرفتن آثار مالیاتی جاری و آتی مشخص شده و استاندارد مزبور از سال 1399 لازم‌الاجرا شده است.

علاوه بر این، در سطح بین‌المللی فعالیت‌های گسترده‌ای در زمینه اصلاح و شفافیت مالیات، سازوکار تبادل اطلاعات بین کشورهای مختلف، پایگاه‌های اطلاعاتی، فرایند مالیات ستانی و ... صورت گرفته است. بررسی تحقیقات انجام شده در حوزه مالیات حاکی از آن است که عمدتاً بر اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی، سیاست‌های مالیاتی و عوامل موثر بر آن‌ها تمرکز شده است و در حوزه شفافیت مالیاتی نیز بیشتر بر شفافیت مالیاتی در سطح کلان کشورها، و یا از منظر اجتناب یا فرار مالیاتی در شرکت‌های چندملیتی و با تأکید بر افشای وضعیت مالیاتی آنها به تفکیک هر کشور مورد توجه قرار گرفته است که از آن جمله می‌توان به پژوهش الکساندر<sup>۱</sup> (2013)، اکسلستون<sup>۲</sup> و وودوارد<sup>۳</sup> (2014) و اواتس<sup>۴</sup> و تاک<sup>۵</sup> (2019) اشاره نمود.

بر اساس بررسی پژوهش‌های انجام شده در حوزه مالیات، یکی از موضوعاتی که به نظر نگارنده، در ادبیات مالی و مالیاتی مغفول واقع شده و کمتر به آن پرداخته شده است، مساله "شفافیت مالیاتی" در سطح شرکت‌ها و عوامل موثر بر آن است. به بیان ساده، منظور از شفافیت مالیاتی، اندازه‌گیری، ارائه و افشای مناسب مبلغ مالیات در صورت‌های مالیاتی است؛ و وجود و تکرار بندهای تعدیلی و تأکید بر مطلب خاص در گزارش‌های حسابرسی یا درج تعدیلات سنواتی بااهمیت در صورت‌های مالی ناشی از اصلاح ذخیره مالیات، حاکی از آن است که

1. Alexander
2. Eccleston
3. Woodward
4. Oats
5. Tuck

شفافیت مالیاتی شرکت‌ها به یکی از موضوعات مهم در بازار سرمایه تبدیل شده است. لذا آگاهی از عوامل موثر بر شفافیت مالیاتی علاوه بر رفع مشکلات کلان اقتصادی از جمله گریز مالیاتی، از منظر بازار سرمایه نیز حایز اهمیت بسیاری است.

شواهد حاکی از آن است که اقدامات شرکت‌ها در جهت کاهش و به تعویق انداختن مالیات یا اجتناب مالیاتی با کاهش شفافیت مالیاتی در صورت‌های مالی شرکت همراه است؛ در حالی که وجود شفافیت در فعالیت‌های واحد اقتصادی، درک سرمایه‌گذاران را از فعالیت‌های مدیریت افزایش می‌دهد. با این ترتیب، شفافیت مالیاتی می‌تواند با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، نگرانی سرمایه‌گذاران را از هزینه‌های پنهان اجتناب مالیاتی تقلیل دهد و موجبات افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران را فراهم نماید. به عبارت دیگر، شفافیت مالیاتی می‌تواند به‌عنوان یک عامل نظارتی، رفتار مدیریت شرکت را کنترل نموده و انگیزه گریز از مالیات را کاهش دهد، و علاوه بر آن با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، امکان تصمیم‌گیری مناسب‌تر سرمایه‌گذاران و نیز سیاست‌گذاران نظام مالیاتی را فراهم آورد.

شفافیت مالیاتی را می‌توان به‌عنوان یکی از ابزارهای ایفای مسئولیت پاسخگویی مدیران دانست و انتظار می‌رود هیات‌مدیره (از یک سو به‌عنوان مسئول نهایی افشای اطلاعات و از سوی دیگر به‌عنوان مسئول سیاست‌گذاری و نظارت بر عملکرد مدیران اجرایی در زمینه پرداخت مالیات) نقش بااهمیتی در شفافیت مالیاتی داشته باشد.

از سوی دیگر، بر پایه دو فرضیه هزینه‌های سیاسی و قدرت سیاسی انتظار می‌رود اندازه‌ی شرکت بر اجتناب مالیاتی و نیز شفافیت و پاسخگویی شرکت تاثیر گذار باشد (نمازی و جوکار، 1399) و از این رهگذر، بر شفافیت مالیاتی نیز موثر واقع شود.

بر این اساس هدف از پژوهش حاضر، بررسی تاثیر ویژگی‌های هیات‌مدیره و اندازه شرکت بر شفافیت مالیاتی است. همچنین ویژگی‌های هیات‌مدیره با رویکردی چندبعدی نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، از آنجا که این متغیر دربرگیرنده عوامل متعددی است و بررسی این عوامل به صورت مجزا، ممکن است تحلیل ناقصی به دنبال داشته باشد، لذا در پژوهش حاضر علاوه بر آن که ویژگی‌های مورد تاکید در ادبیات پیشین، بصورت مجزا مورد سنجش قرار می‌گیرد، از معیاری ترکیبی، نیز جهت سنجش این متغیر استفاده شده و تاثیر آن بر شفافیت مالیاتی بررسی شده است. با توجه به مطالبی که بیان شد، پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا ویژگی‌های هیات‌مدیره و اندازه شرکت بر شفافیت مالیاتی تاثیر دارد؟

در ادامه، پس از بررسی مبانی نظری، فرضیه‌ها و روش‌های آزمون فرضیه‌ها ارائه می‌گردد. در پایان نیز یافته‌های تحقیق، مورد بحث و نتیجه‌گیری قرار خواهد گرفت.

### مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها

شفافیت، هسته مرکزی گزارشگری مالی مدرن است که به استفاده‌کنندگان در شناخت واحد تجاری کمک می‌کند. با وجود اهمیت این مفهوم، تعریف جامعی از آن ارائه نشده و روش‌های متعددی برای اندازه‌گیری شفافیت اطلاعاتی مورد استفاده قرار گرفته است که به نتایج، توجیهات و پیامدهای متفاوتی منجر شده است. "شفافیت مالیاتی" را می‌توان از دیدگاه‌های مختلف مورد بحث و بررسی قرار داد. در سطح خرد، شفافیت مالیاتی به چگونگی ایجاد شفافیت در حوزه پیچیده مالیات اطلاق می‌شود و به ذی‌نفعان اطمینان می‌دهد که سهم منصفانه‌ای از مالیات پرداخت می‌شود. در سطح کلان نیز شفافیت مالیاتی را می‌توان به عنوان نحوه‌ی افشای وجوه دریافتی دولت‌ها در قالب مالیات و یا چگونگی همکاری کشورهای مختلف در به‌اشتراک گذاشتن اطلاعات مالیاتی مربوط به یک مؤدی، در نظر گرفت (الکساندر، 2013).

در قوانین و مقررات مالیاتی، منبع استخراج اطلاعات مالی دفاتر قانونی است و مطلوبیت آن منوط به رعایت استانداردهای حسابداری و قوانین مالیاتی است. مالیات یکی از عوامل تأثیرگذار بر رویه‌های حسابداری است و گزارش‌های مالی تهیه شده مبنای محاسبه درآمد مشمول مالیات می‌باشد. لیکن، با وجود تدوین ساز و کارهای نظارتی یکسان برای گزارشگری مالی شرکت‌ها، به نظر می‌رسد کیفیت و شفافیت گزارشگری مالی آنها یکسان نیست و این امر بیانگر آن است که احتمالاً عوامل دیگری وجود دارد که باعث ایجاد تفاوت در شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌ها می‌شود. (طایفه و همکاران، 1398)

از دیدگاه تئوری نمایندگی می‌توان چنین استدلال کرد که محیط غیرشفاف، به مدیریت اجازه می‌دهد تا با پنهان‌سازی، در راستای مدیریت مالیات گام بردارد. اجتناب مالیاتی و منافع احتمالی آن برای سهامداران، این فرصت را برای مدیران فراهم می‌کند تا خود را بابت شفاف نبودن اطلاعات، از این نظر که سبب کاهش خطر کشف تخلف مالیاتی به وسیله مسئولین مالیاتی می‌گردد، تبرئه کنند و اطلاعات مبهم و غیرشفاف ارائه دهند. در هر صورت پیچیدگی و شفاف نبودن که جزء جدایی‌ناپذیری از اجتناب مالیاتی است، می‌تواند آزادی عمل مدیران

برای استفاده از ابزارهای مدیریت سود را افزایش دهد. بنابراین، کیفیت افشاء می‌تواند بر گستره اجتناب مالیاتی و به تبع آن شفافیت مالیاتی تأثیر بگذارد. (کریمی و همکاران، 1401) در رابطه با شفافیت مالیاتی می‌توان به پژوهش اسمیت<sup>1</sup> و همکاران (2020) اشاره کرد که در در پژوهشی تحت عنوان ارتباط میان شفافیت مالیاتی و اجتناب مالیاتی، بر اساس روش تحلیل محتوا، امتیاز و میزان شفافیت مالیاتی موجود در صورت‌های مالی سالانه شرکت‌ها را محاسبه نموده و سپس بر اساس روش رگرسیونی به بررسی ارتباط میان شفافیت مالیاتی و اجتناب مالیاتی شرکتها پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش آنها نشان داد که شرکت‌های با امتیاز شفافیت بالا دارای نرخ مؤثر مالیاتی بالا و اختلاف دائمی مالیاتی کمتری هستند. همچنین رازن<sup>2</sup> و کاپفر<sup>3</sup> (2023) در تحقیقی با عنوان تأثیر شفافیت مالیاتی بر رفتار مصرف‌کننده و شرکت: شواهد تجربی، یک طرح آزمایشی را اجرا کردند تا تأثیر افزایش شفافیت مالیاتی بر رفتار مصرف‌کننده و شرکت را در یک چارچوب پویا تحلیل نمایند. نتایج نشان داد در شرایطی که مستقیماً خطر قرار گرفتن به عنوان یک شرکت دارای فرار مالیاتی وجود نداشته باشد، تنها 26٪ از شرکت‌ها تصمیم به پرداخت مالیات می‌گیرند. اما اگر به عنوان شرکت دارای فرار مالیاتی در بازار شناسایی شوند، این نرخ به 58 درصد افزایش می‌یابد. همچنین ارائه اطلاعات اضافی به فعالان بازار در مورد هزینه‌های اجتماعی اجتناب از مالیات، شرکت‌های پرداخت‌کننده مالیات را به 74 درصد افزایش می‌دهد. علاوه بر این در بالاترین سطح شفافیت، مشاهده می‌شود که مصرف‌کنندگان تمایل بیشتری به تحریم شرکت‌های دارای فرار مالیاتی نشان می‌دهند، حتی اگر این شرکت‌ها قیمت‌های ارزان‌تری ارائه دهند. بالاکریشان<sup>4</sup> و همکاران (2017) نیز در تحقیقی با عنوان "مالیات تهاجمی و شفافیت" شرکت به بررسی این موضوع پرداختند که آیا شرکت‌های با برنامه‌ریزی مالیاتی تهاجمی دارای یک محیط اطلاعاتی با شفافیت کمتر هستند؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی مالیاتی تهاجمی با شفافیت پایین‌تر رابطه دارد. همچنین در شرکت‌هایی که افشای بیشتری دارند، رابطه منفی بین تهاجم مالیاتی و شفافیت تضعیف می‌شود. با این حال، در مورد اینکه قدرت حاکمیت بر رابطه‌ی بین تهاجم مالیاتی و شفافیت اثر می‌گذارد، شواهدی نیافتند. در ایران نیز کریمی و همکاران (1401) تحقیقی با

1. Smit  
2. Razen  
3. Kupfer  
4. Balakrishan

عنوان «ارائه الگویی بر تعیین امتیاز شفافیت مالیاتی شرکتها به روش AHP» با رویکرد کیفی - کمی انجام دادند. در این پژوهش، ابتدا با پرسش از 18 خبره دانشگاهی و مالیاتی، 32 عامل کمی مؤثر بر شفافیت مالیاتی در شش بعد (شامل بعد راهبری شرکتی، عوامل حسابر س، عوامل استراتژی، نسبت‌های مالی، ویژگی‌های عمومی و عوامل اجتماعی) که بر اساس گزارش‌های منتشره شرکت‌ها قابل اندازه‌گیری است، شناسایی شد و بر اساس این عوامل، الگویی جهت تعیین امتیاز شفافیت شرکت‌های ایرانی ارائه گردید. سپس این عوامل و متغیر وابسته، اندازه‌گیری و اثرگذاری ابعاد، در نمونه آماری شامل 110 شرکت بورسی طی سالهای 1395 الی 1399 مورد آزمون قرار گرفت که بر اساس نتایج تحقیق، عوامل و متغیرهای شناسایی شده به میزان 63 درصد توانایی توضیح‌دهندگی شفافیت مالیاتی شرکت‌ها را داشتند.

در رابطه با تاثیر ویژگی‌های هیات‌مدیره و حاکمیت شرکتی بر تهور یا اجتناب مالیاتی نیز تحقیقاتی صورت گرفته است. در این رابطه، ادوین<sup>1</sup> و ویکتور<sup>2</sup> (2019) در تحقیقی با عنوان "ویژگی‌های هیات‌مدیره شرکت و تهور مالیاتی: مطالعه شرکت‌های تولیدی در نیجریه" به این موضوع پرداختند که آیا ویژگی‌های هیات‌مدیره شرکت‌ها از قبیل اندازه، تنوع جنسیت و استقلال هیات‌مدیره تاثیری بر تهور مالیاتی شرکت‌های تولیدی دارد یا خیر. به این منظور نمونه‌ای از 49 شرکت تولیدی پذیرفته شده در بورس نیجریه برای دوره 2011 تا 2016 مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که اندازه هیات‌مدیره و استقلال هیات‌مدیره تأثیر منفی و معنی‌داری بر تهور مالیاتی شرکت دارند، در حالی که جنسیت هیات‌مدیره تأثیر قابل توجهی ندارد.

کیتیس<sup>3</sup> و همکاران (2019) در تحقیقی به بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی، ویژگی‌های شرکت و حاکمیت شرکتی در یونان پرداختند. هدف این پژوهش بررسی رابطه اجتناب از پرداخت مالیات با ویژگی‌های حاکمیت شرکتی از جمله استقلال هیات‌مدیره، نوع شرکت حسابرسی و تمرکز مالکیت و برخی از شاخص‌های مالی منتخب مانند بازده سرمایه، نقدینگی، اهرم و اندازه شرکت می‌باشد. در این راستا تجزیه و تحلیل بر اساس داده‌های 56 شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار آتن طی دوره 2011 تا 2015، صورت گرفته است. نتایج مطالعه نشان داد که نرخ مؤثر مالیات نقدی با اندازه شرکت رابطه مثبت معنی‌داری دارد و با بازده سرمایه

1. Edwin

2. Victor

3. Chytis



دارای رابطه منفی معنی‌دار است. همچنین رابطه آماری معنی‌داری بین متغیرهای حاکمیت شرکتی و اجتناب از مالیات مشاهده نکردند.

آرمسترانگ<sup>1</sup> و همکاران (2015)، در پژوهشی با عنوان "حاکمیت شرکتی، انگیزه‌های مدیریت و اجتناب مالیاتی" با بررسی یک نمونه از شرکت‌های کره‌ای در دوره‌ی 1999 تا 2011 به این نتیجه رسیدند که رابطه مثبت بین استقلال هیات مدیره و پیچیدگی‌های مالی برای سطوح پایین اجتناب مالیاتی و رابطه منفی برای سطوح بالاتر وجود دارد. همچنین بین اجتناب مالیات و ارزش شرکت و نیز بین توانایی مدیریتی و اجتناب از مالیات رابطه منفی معنادار وجود دارد. علاوه بر این، نتایج همچنین نشان می‌دهد که توانایی مدیریتی بالاتر، رابطه منفی بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت را تعدیل می‌کند. به عبارت دیگر می‌توان گفت توانایی مدیریتی در رفتار اجتناب مالیاتی شرکت تاثیر می‌گذارد.

طبابی (1397) در تحقیقی به بررسی رابطه ساختار مالکیت و شفافیت مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس پرداخت. در این پژوهش با استفاده از داده‌های نمونه‌ای از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های 1392 تا 1396 و با به کارگیری روش پژوهش همبستگی آزمون گردیده است. نتایج بیانگر آن است که بین مالکیت نهادی و شفافیت مالیاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و همچنین بین مالکیت خانوادگی و شفافیت مالیاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد اما بین تمرکز مالکیت و شفافیت مالیاتی رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

خواجوی، ولی‌پور و کاویانی‌فرد (1397) در تحقیقی با عنوان "بررسی نقش و انگیزه هیأت مدیره در اجتناب از پرداخت مالیات شرکت" نمونه‌ای متشکل از 104 شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره‌ی زمانی 1390 تا 1395 را بررسی نمودند. نتایج نشان داد که افشای وضعیت نامطمئن مالیاتی بر اجتناب از مالیات تأثیر مثبت معناداری دارد. همچنین انگیزه پاداش هیأت مدیره نیز تأثیر مثبت معناداری بر اجتناب از مالیات دارد. ولی ترکیب جنسیت تأثیر معناداری بر اجتناب از پرداخت مالیات نداشته است، به آن معنی که حضور زنان در هیأت مدیره از اجتناب در پرداخت مالیات جلوگیری ننموده است. دیگر نتایج حاکی از تأثیر مثبت معنی‌دار اندازه شرکت و تراکم سرمایه‌بری بر اجتناب از مالیات می‌باشد.

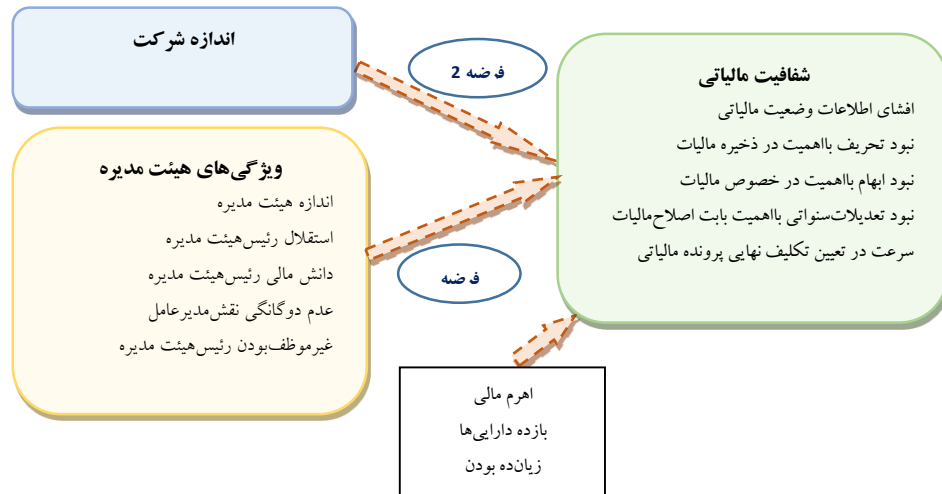
ناظمی و پورعنقا (1397) در تحقیقی به بررسی نقش نظارتی هیات‌مدیره در اجتناب مالیاتی شرکت‌های خانوادگی پرداختند. در این پژوهش نمونه‌ای از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای 1386 تا 1393 مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از آن است که میزان اجتناب مالیاتی در شرکت‌های خانوادگی به نسبت کمتر از میزان اجتناب مالیاتی در سایر شرکت‌ها است. همچنین بین درصد سهام متعلق به مدیرعامل در شرکت‌های خانوادگی و نرخ موثر مالیاتی رابطه مثبت معناداری وجود دارد و متغیر نقش نظارتی هیات‌مدیره باعث تعدیل این رابطه می‌شود. از این رو در شرکت‌های خانوادگی، استقلال هیات‌مدیره و اندازه هیات‌مدیره باعث تشدید، و دوگانگی نقش مدیرعامل و رئیس هیات‌مدیره باعث تضعیف رابطه بین درصد سهام متعلق به مدیرعامل و نرخ موثر مالیاتی می‌شود.

عسگری و عظیمی (1397) به بررسی رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی، پاداش هیات‌مدیره و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این پژوهش برای اندازه‌گیری کیفیت حاکمیت شرکتی از 11 عامل استفاده شد و برای اجتناب مالیاتی از نسبت هزینه مالیات به درآمد قبل از بهره و مالیات استفاده شده است. در این پژوهش داده‌های 90 شرکت طی سال‌های 1385 الی 1394 بررسی شد و نتایج نشان داد که کیفیت حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی رابطه منفی دارد و هرچه میزان کیفیت حاکمیت شرکتی بیشتر باشد، اجتناب مالیاتی کمتری صورت می‌گیرد. همچنین، نتایج این پژوهش نشان داد که پاداش هیات‌مدیره با اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری دارد، به عبارت دیگر هر چه میزان پاداش هیات‌مدیره بیشتر باشد انگیزه مدیران برای کاهش و فرار از پرداخت مالیات کاهش می‌یابد.

بحری‌ثالث، بهنمون و مددی‌زاده (1393) در تحقیقی به بررسی رابطه بین ویژگی‌های هیات‌مدیره (اندازه هیات‌مدیره، استقلال هیأت، دانش مالی هیات‌مدیره، تعداد جلسات هیات‌مدیره) و استراتژی مالیاتی جسورانه پرداختند. بر این اساس داده‌های 71 شرکت پذیرفته شده در بورس طی سال‌های 1390-1382 بررسی شد. نتایج حاکی از آن است که استقلال هیات‌مدیره و دانش هیات‌مدیره رابطه معناداری با استراتژی مالیاتی جسورانه دارد. همچنین بین اندازه هیات‌مدیره و تعداد جلسات هیات‌مدیره با استراتژی مالیاتی جسورانه رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین بین اهرم مالی با استراتژی مالیاتی جسورانه رابطه معناداری وجود دارد، اما اندازه شرکت با استراتژی مالیاتی جسورانه دارای رابطه معنادار نیست.

در ارتباط با مالیات و اندازه شرکت نیز پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است. مبانی نظری این پژوهش‌ها عموماً بر پایه دو فرضیه هزینه‌های سیاسی و قدرت سیاسی هستند. واتس و زیمرمن (1990) نشان دادند که شرکت‌های بزرگتر بیشتر تحت نظارت دولت قرار می‌گیرند و بیشتر در معرض مواجهه با هزینه‌های سیاسی هستند؛ بنابراین انتظار می‌رود این شرکت‌ها گرایش کمتری به اجتناب مالیاتی داشته باشند. در مقابل فرضیه قدرت سیاسی قرار دارد. مطابق با این فرضیه، شرکت‌های بزرگتر از قدرت سیاسی و اقتصادی ممتازی نسبت به شرکت‌های کوچک‌تر بهره می‌برند. این شرکت‌ها با استفاده از قدرت اقتصادی، درصدد اثرگذاری بر قوانین هستند و سعی دارند در طرح‌ها و پروژه‌های مالیات‌کاه، سرمایه‌گذاری نمایند. بنابراین، می‌توان انتظار داشت رابطه معناداری بین اندازه شرکت و اجتناب مالیاتی وجود داشته باشد. علاوه بر این، شرکت‌های بزرگتر به دلیل تحمل هزینه‌های سیاسی بیشتر، ناچار به شفافیت و پاسخگویی بیشتری نیز هستند و به واسطه ارتباط بیشترشان با سایر ذینفعان، نیازمند وجود سازوکارهای مناسب‌تری برای پاسخگویی هستند. بنابراین انتظار می‌رود بین اندازه شرکت و شفافیت مالیاتی رابطه وجود داشته باشد. در این رابطه، نمازی و جوکار (1399) در پژوهشی به بررسی تأثیر تعدیل‌کنندگی اندازه شرکت بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نمونه آماری شامل 100 شرکت طی سالهای 1387-1396 با استفاده از رگرسیون چندمتغیره بررسی شد. نتایج پژوهش نشان داد افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی منجر به کاهش اجتناب مالیاتی می‌شود. همچنین نتایج پژوهش در ارتباط با تأثیر تعدیل‌کنندگی اندازه شرکت نشان داد اندازه شرکت دارای تأثیر تعدیل‌کنندگی بر رابطه بین افشای مسئولیت اجتماعی و اجتناب مالیاتی است. به بیانی دیگر، هنگامی که اندازه شرکت بزرگتر است، رابطه بین مسئولیت اجتماعی و اجتناب مالیاتی قویتر است. (نمازی و جوکار، 1399).

با توجه به مطالب ارائه شده، انتظار می‌رود ویژگی‌های هیات‌مدیره و اندازه شرکت بر شفافیت مالیاتی تأثیر داشته باشد. بر این اساس مدل مفهومی پژوهش به شرح شکل 1 است:



شکل 1. مدل مفهومی پژوهش

### فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری ارائه شده و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر ارائه شده است:

- فرضیه 1- ویژگی‌های هیات‌مدیره تأثیر معناداری بر شفافیت مالیاتی دارد.
- فرضیه 2- اندازه‌ی شرکت تأثیر معناداری بر شفافیت مالیاتی دارد.

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف یک پژوهش کاربردی و از نظر روش پژوهش یک پژوهش توصیفی-همبستگی است. روش گردآوری اطلاعات در بخش مبانی نظری از روش کتابخانه‌ای و در بخش آزمون فرضیات از روش اسنادکاوی صورتهای مالی و گزارش حسابرسی می‌باشد. فرضیه‌های پژوهش از طریق نتایج حاصل از الگوهای اقتصادسنجی و رگرسیون چند متغیره مورد آزمون قرار گرفتند. بدین منظور از نرم افزارهای EXCEL و STATA12 استفاده شد و آزمون‌های آماری لازم جهت بررسی فروض رگرسیون انجام شد.

جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است و روش نمونه‌گیری در این تحقیق، روش حذف سیستماتیک می‌باشد. لذا نمونه انتخابی شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده که شرایط زیر را دارا باشند:

- 1- سال مالی آن‌ها منتهی به 29 اسفند هر سال باشد و طی دوره پژوهش تغییر سال مالی نداشته باشند.
  - 2- شرکت‌های مورد نظر طی دوره فعالیت مستمر داشته و بیش از 3 ماه توقف نماد معاملاتی نداشته باشند.
  - 3- جزء شرکت‌های واسطه‌گری‌های مالی، هلدینگ، بانک‌ها و بیمه‌ها نباشند.
  - 4- اطلاعات صورت‌های مالی آن‌ها برای دوره پژوهش در دسترس باشد.
- در نهایت با توجه شرایط اعمال شده، تعداد 108 شرکت طی انتخاب گردید که با توجه به دوره‌ی 5 ساله‌ی تحقیق، 540 سال-شرکت مورد بررسی قرار گرفت.

### مدل آزمون فرضیه‌ها

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، در این پژوهش، آزمون فرضیه‌های پژوهش در دو سطح انجام شده است. در سطح اول از یک معیار چند بعدی و ترکیبی از مجموعه ویژگی‌های هیات‌مدیره استفاده شده و تاثیر آن بر شفافیت مالیاتی مورد بررسی و آزمون قرار گرفته است و در سطح دوم تاثیر ویژگی‌های هیات‌مدیره بر شفافیت مالیاتی به تفکیک هر یک از ویژگی‌ها (اندازه هیات‌مدیره، دانش مالی هیات‌مدیره، استقلال هیات‌مدیره، عدم دوگانگی نقش مدیرعامل، غیرموظف بودن رئیس هیات‌مدیره) بررسی و آزمون شده است. بدین ترتیب برای آزمون فرضیه اول تحقیق، بر اساس "معیار ترکیبی ویژگی‌های هیات‌مدیره"، از مدل رگرسیون زیر استفاده شده است:

مدل (1)

$$\text{Tax trans} = \beta_0 + \beta_1 \text{Mngt} + \beta_2 \text{Size} + \beta_3 \text{Lev} + \beta_4 \text{Roa} + \beta_5 \text{Loss} + \varepsilon_0$$

همچنین برای آزمون فرضیه اول در سطح مولفه‌های ویژگی‌های هیات‌مدیره از مدل رگرسیون زیر استفاده شده است:

مدل (2)

$$\text{Tax trans} = \beta_0 + \beta_1 \text{mnsiz} + \beta_2 \text{dual} + \beta_3 \text{chnexc} + \beta_4 \text{ind} + \beta_5 \text{exp} + \beta_2 \text{Size} + \beta_3 \text{Lev} + \beta_4 \text{Roa} + \beta_5 \text{Loss} + \varepsilon_0$$

### اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

#### متغیر وابسته: شفافیت مالیاتی (Tax Trans)

شیوه اندازه‌گیری و کمی کردن شفافیت حائز اهمیت است. با توجه به الزامات افشای اطلاعات مالیاتی طبق صورت‌های مالی نمونه مصوب کمیته فنی سازمان حسابرسی، و نیز استاندارد حسابرسی 705 و 706، در مطالعه حاضر از پنج معیار برای اندازه‌گیری شفافیت مالیاتی استفاده شده و برای هر یک از معیارها، با توجه به توضیحات زیر، امتیاز 0 یا 1 تخصیص داده شد. سپس حاصل جمع این امتیازها به 5 (مجموع امتیاز 5 معیار) تقسیم می‌شود تا امتیاز مربوط به معیار برای شفافیت مالیاتی هر شرکت در هر سال به دست آید:

1. افشای اطلاعات وضعیت مالیاتی: در صورت افشای اطلاعات وضعیت مالیاتی حداقل برای سه سال گذشته 1 و در غیر این صورت صفر
2. نبود تحریف با اهمیت در ذخیره مالیات: در صورت عدم تعدیل اظهار نظر حسابرس به دلیل کسری ذخیره مالیات 1 و در غیر این صورت صفر
3. نبود ابهام با اهمیت در خصوص مالیات: در صورت عدم وجود بند تأکید بر مطلب خاص در گزارش حسابرس مبنی بر ابهام با اهمیت در خصوص مالیات 1 و در غیر این صورت صفر
4. نبود تعدیلات سنواتی با اهمیت بابت اصلاح مالیات: در صورت عدم وجود تعدیلات سنواتی با اهمیت بابت اصلاح مالیات 1 و در غیر این صورت صفر (برای تعیین با اهمیت بودن مبلغ تعدیلات سنواتی، از دستورالعمل نحوه تعیین سطح اهمیت استفاده شده است)
5. سرعت در تعیین تکلیف نهایی پرونده مالیاتی: در صورتی که تعداد سالهایی که پرونده مالیاتی شرکت تعیین تکلیف نهایی نشده کمتر از میانگین باشد 1 و در غیر این صورت صفر

$$\text{Tax Trans} = (\sum_{i=1}^5 \text{trans}_i / 5)$$

#### متغیرهای مستقل

ویژگی‌های هیات‌مدیره (Mngt): با توجه به اینکه این متغیر در برگرنده عوامل متعددی است و بررسی این عوامل به صورت مجزا، تحلیل ناقصی از ویژگی‌های هیات‌مدیره ارائه خواهد داد، بنابراین در این پژوهش از یک معیار ترکیبی استفاده شده است (ثقفی و صفرزاده، 1390). به این ترتیب که با توجه به تحقیقات پیشین، پنج ویژگی مهم هیات‌مدیره به شرح زیر در نظر گرفته شده و به هر یک از آنها با توجه به تعریف عملیاتی انجام شده، امتیاز 0 یا 1 تخصیص داده شده

- است. سپس حاصل جمع این امتیازها به 5 (مجموع امتیاز 5 معیار) تقسیم می‌شود تا امتیاز مربوط به معیار ترکیبی متغیر ویژگی‌های هیات‌مدیره برای هر شرکت در هر سال به دست آید:
- 1- اندازه هیات‌مدیره (mnsize): در صورتی که تعداد اعضای هیات‌مدیره بیش از 5 نفر باشد 1 و در غیر این صورت صفر
  - 2- استقلال هیات‌مدیره (ind): در صورتی که نسبت اعضای غیرموظف به کل اعضا بیش از میانگین نسبت برای کل شرکت‌ها باشد 1 و در غیر این صورت صفر
  - 3- دانش مالی اعضای هیات‌مدیره (exp): در صورتی که نسبت اعضای دارای تخصص مالی به کل اعضا بیش از میانگین نسبت محاسبه شده برای کل شرکت‌ها باشد 1، در غیر این صورت صفر
  - 4- عدم دوگانگی نقش مدیر عامل (dual): در صورت تفکیک نقش مدیر عامل از رئیس یا نایب رئیس هیات‌مدیره 1 و در غیر این صورت صفر
  - 5- غیرموظف بودن رئیس هیات‌مدیره (chnexc): در صورت غیرموظف بودن رئیس هیات‌مدیره 1 و در غیر این صورت صفر

$$\text{Mngt} = \sum(\text{mnsize} + \text{dual} + \text{chnexc} + \text{ind} + \text{exp} + \text{size}) / 5$$

اندازه شرکت (Size): لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های شرکت در پایان دوره

#### متغیرهای کنترلی

- اهرم مالی (lev): حاصل تقسیم کل بدهی‌های پایان دوره بر کل دارایی‌های پایان دوره
- بازده دارایی‌ها (roa): نسبت سود خالص به جمع دارایی‌های ابتدای دوره
- زیان‌ده بودن (loss): در صورتی که نتیجه عملکرد شرکت، زیان باشد 1 و در غیر این صورت صفر

#### یافته‌های پژوهش

خلاصه وضعیت آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول 1 ارائه شده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود میانگین امتیاز ویژگی‌های هیات‌مدیره حاکی از آن است که بطور متوسط کمتر از 3 مولفه از ویژگی‌های هیات‌مدیره در شرکت‌های نمونه وجود داشته که این دو ویژگی عمدتاً عدم دوگانگی نقش مدیرعامل و غیرموظف بودن رئیس هیات‌مدیره است. همچنین

میانگین نسبت اعضای غیرموظف به کل اعضا در نمونه مورد بررسی 0.7 و میانگین نسبت اعضای دارای دانش مالی به کل اعضا نیز 0.19 است و در 44 درصد از شرکت‌های نمونه، تعداد اعضای دارای تخصص مالی بیش از یک نفر است. همچنین میانگین شفافیت مالیاتی در شرکت‌ها 0.77 است و کمترین و بیشترین مقدار آن در شرکت‌ها به ترتیب 0.2 و 1 می‌باشد. یعنی بطور متوسط 3 مورد از مولفه‌های شفافیت مالیاتی در شرکت‌های نمونه رعایت شده است. علاوه بر این، به طور متوسط 60 درصد از تامین مالی شرکت‌ها از محل بدهی‌ها انجام شده است و با توجه به بیشترین مقدار این متغیر، بدهی‌های برخی شرکت‌ها به دلیل داشتن زیان انباشته، بیش از جمع دارایی‌های آنهاست.

جدول 1. آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار
شفافیت مالیاتی	540	0/775185	0/175427	0/2	1
ویژگی‌های هیات‌مدیره (معیار ترکیبی)	540	0/546667	0/188658	0/2	1
اندازه شرکت	540	14/20081	1/621278	10/53	19/31
اهرم مالی	540	0/601741	0/275274	0/05	8/1
بازده دارایی‌ها	540	0/118	0/2564	-0/9	4/63
متغیرهای دوجبهی	تعداد مشاهدات	تعداد یک	درصد فراوانی یک	تعداد صفر	درصد فراوانی صفر
اندازه هیات‌مدیره	540	14	3%	526	97%
عدم دوگانگی نقش مدیرعامل	540	524	97%	16	3%
غیرموظف بودن رئیس هیات‌مدیره	540	441	82%	99	18%
استقلال هیات‌مدیره	540	259	48%	281	52%
دانش مالی هیات‌مدیره	540	238	44%	302	56%
زیان‌ده بودن	540	73	14%	467	86%

قبل از آزمون فرضیه‌های تحقیق، ابتدا مفروضات رگرسیون مورد بررسی قرار گرفت تا مشخص شود که آیا ضرایب رگرسیون قابل اتکا هستند یا خیر. در این راستا به منظور بررسی هم‌خطی بین متغیرهای مستقل از معیار عامل تورم واریانس استفاده شده است. با توجه به اینکه مقادیر VIF برای متغیرهای توضیحی، تماماً کوچکتر از 5 هستند، از این رو بین متغیرهای



مذکور همخطی وجود ندارد. همچنین یکی دیگر از مفروضات آماری رگرسیون کلاسیک همسانی واریانس باقیمانده‌ها می‌باشد. در صورتی که واریانس‌ها ناهمسان باشند برآورد کننده خطی نارایب بوده و کم‌ترین واریانس را نخواهد داشت. در این مطالعه برای بررسی همسانی واریانس‌ها از آزمون برش پاگان استفاده شد و از آنجا که با توجه به سطح اهمیت این آزمون که کوچک‌تر از 0/05 می‌باشد، فرضیه صفر مبنی بر وجود همسانی واریانس تأیید شده و می‌توان گفت مدل دارای مشکل ناهمسانی واریانس نمی‌باشد. همچنین به منظور بررسی خودهمبستگی سریالی بین باقیمانده‌ها از آزمون والددریج استفاده شد. نتایج اجرای این آزمون حاکی از آن است که آماره آماره والد تعدیل شده در سطح اطمینان 95٪ معنی‌دار می‌باشد که نشان دهنده وجود خودهمبستگی سریالی مرتبه اول در هر دو مدل رگرسیون پژوهش است. به منظور رفع مشکل خودهمبستگی مرتبه اول، می‌بایست مدل را به روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآورد نمود و بنابراین مدل‌های مذکور به روش GLS برآورد شدند که نتایج آن در بخش بعد ارائه می‌گردد.

#### نتایج آزمون فرضیه‌ها: در سطح معیار ترکیبی ویژگی‌های هیات‌مدیره

هدف از آزمون فرضیه‌های پژوهش بررسی تاثیر ویژگی‌های هیات‌مدیره و اندازه شرکت بر شفافیت مالیاتی است. نتایج حاصل از برآورد مدل رگرسیونی آزمون فرضیه‌های اول (در سطح معیار ترکیبی) و دوم به شرح زیر است:

جدول 2. نتایج آزمون فرضیه‌ها (با معیار ترکیبی هیات‌مدیره)

Tax trans = $\beta_0 + \beta_1 \text{Mngt} + \beta_2 \text{Size} + \beta_3 \text{Lev} + \beta_4 \text{Roa} + \beta_5 \text{Loss} + \varepsilon_0$						
متغیر		ضریب	انحراف معیار	t آماره	P-Value	ارتباط
جزء ثابت	_cons	0/791344	0/037574	21/06	0	-
ویژگی‌های هیات‌مدیره	mngt	0/077503	0/025399	3/05	0/002	مستقیم
اندازه شرکت	size	-0/00137	0/00246	-0/56	0/577	ندارد
اهرم مالی	lev	-0/05393	0/021033	-2/56	0/01	معکوس
بازده دارایی‌ها	roa	0/07693	0/028358	2/71	0/007	مستقیم
زیان‌ده بودن	loss	-0/03387	0/017336	-1/95	0/051	ندارد

این فرضیه با استفاده از مدل فوق بصورت داده‌های پانل برآورد گردید. در بررسی معنی‌داری ضرایب با توجه نتایج ارائه شده در جدول فوق، از آنجایی احتمال آماره  $t$  برای ضریب متغیر ویژگی‌های هیات‌مدیره کوچکتر از  $0/05$  می‌باشد، در نتیجه فرضیه اول در سطح اطمینان  $95\%$  پذیرفته می‌شود یعنی ویژگی‌های هیات‌مدیره بر شفافیت مالیاتی شرکت تأثیر مستقیم دارد و هر چه هیات‌مدیره از نظر مجموع معیارهای اندازه، استقلال، دانش مالی، عدم دوگانگی نقش مدیرعامل، و غیرموظف بودن رئیس هیات‌مدیره امتیاز بیشتری اخذ نماید، شفافیت مالیاتی شرکت افزایش می‌یابد. همچنین احتمال آماره  $t$  برای ضریب متغیر اندازه شرکت بزرگتر از  $0/05$  است و بنابراین فرضیه دوم در سطح اطمینان  $95\%$  تایید نمی‌شود و اندازه شرکت بر شفافیت مالیاتی شرکت تأثیر ندارد. از بین متغیرهای کنترلی نیز اهرم مالی رابطه معکوس با شفافیت مالیاتی دارد و هرچه شرکت وابستگی بیشتری به تامین مالی از محل بدهی‌ها داشته باشد، شفافیت مالیاتی کاهش می‌یابد. همچنین بازده دارایی‌ها رابطه مستقیم با شفافیت مالیاتی دارد و هرچه بازده دارایی‌های شرکت افزایش یابد، شفافیت مالیاتی نیز افزایش می‌یابد. متغیر زیان‌ده بودن نیز در سطح اطمینان  $95\%$  رابطه معناداری با شفافیت مالیاتی ندارد.

### نتایج آزمون فرضیه‌ها: در سطح مولفه‌های ویژگی‌های هیات‌مدیره

نتایج حاصل از برآورد مدل رگرسیونی آزمون فرضیه‌ها در سطح مولفه‌های ویژگی‌های هیات‌مدیره به شرح جدول زیر می‌باشد:

جدول 3. نتایج آزمون فرضیه‌ها (در سطح مولفه‌های ویژگی‌های هیات‌مدیره)

Tax trans = $\beta_0 + \beta_1 mnsiz + \beta_2 dual + \beta_3 chnexc + \beta_4 ind + \beta_5 exp + \beta_6 Size + \beta_7 Lev + \beta_8 Roa + \beta_9 Loss + \varepsilon_0$						
ارتباط	P-Value	آماره t	انحراف معیار	ضریب	متغیر	
-	0/0	15/93	0/050339	0/801729	cons	جزء ثابت
مستقیم	0/001	3/18	0/028473	0/090653	mnsiz	اندازه هیات‌مدیره
ندارد	0/538	0/62	0/032504	0/020024	dual	عدم دوگانگی نقش مدیرعامل
ندارد	0/386	0/87	0/012656	0/010964	chnexc	غیرموظف بودن رئیس هیات‌مدیره
ندارد	0/973	0/03	0/011727	0/000395	ind	استقلال هیات‌مدیره
مستقیم	0/01	2/56	0/010254	0/02626	exp	دانش مالی هیات‌مدیره
ندارد	0/427	-0/79	0/002858	-0/00227	size	اندازه شرکت
معکوس	0/009	-2/6	0/022242	-0/05776	lev	اهرم مالی

Tax trans = $\beta_0 + \beta_1 msize + \beta_2 dual + \beta_3 chnexc + \beta_4 ind + \beta_5 exp + \beta_6 Size + \beta_7 Lev + \beta_8 Roa + \beta_9 Loss + \varepsilon_0$						
ارتباط	P-Value	آماره t	انحراف معیار	ضریب	متغیر	
مستقیم	0/012	2/5	0/029966	0/074929	roa	بازده دارایی‌ها
ندارد	0/096	-1/66	0/018022	-0/02999	loss	سودآوری

همانگونه که در جدول 3 ملاحظه می‌شود از پنج مولفه ویژگی‌های هیات‌مدیره، ضرایب دو مولفه یعنی اندازه هیات‌مدیره و دانش مالی اعضای هیات‌مدیره تاثیر مستقیم و معناداری بر شفافیت مالیاتی شرکت دارند. اما سایر ویژگی‌های هیات‌مدیره شامل استقلال هیات‌مدیره، عدم دوگانگی نقش مدیرعامل و غیر موظف بودن رئیس هیات‌مدیره تاثیر معناداری بر شفافیت مالیاتی ندارند. در این مدل نیز مشابه مدل اول، اندازه شرکت بر شفافیت مالیاتی شرکت تاثیر ندارد. از بین متغیرهای کنترلی نیز اهرم مالی رابطه معکوس با شفافیت و بازده دارایی‌ها رابطه مستقیم با شفافیت مالیاتی دارد. متغیر زیان‌ده بودن نیز در رابطه معناداری با شفافیت مالیاتی ندارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، بررسی تاثیر ویژگی‌های هیات‌مدیره و اندازه شرکت بر شفافیت مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. بر این اساس دو فرضیه تدوین شد و با به‌کارگیری روش پژوهش همبستگی مورد بررسی و آزمون قرار گرفت. در این پژوهش منظور از شفافیت مالیاتی، اندازه‌گیری، ارائه و افشای مناسب مبلغ مالیات در صورت‌های مالیاتی است که با پنج معیار شامل افشای اطلاعات وضعیت مالیاتی، نبود تحریف بااهمیت در ذخیره مالیات، نبود ابهام بااهمیت در خصوص مالیات، نبود تعدیلات سنواتی بااهمیت بابت اصلاح مالیات و سرعت در تعیین تکلیف نهایی پرونده مالیاتی، سنجش شد. همچنین با توجه به اینکه ویژگی‌های هیات‌مدیره متغیری چند بعدی است و ممکن است بررسی این عوامل به صورت مجزا، تحلیل ناقصی از ویژگی‌های هیات‌مدیره ارائه دهد، بنابراین در این پژوهش علاوه بر آزمون تاثیر هر یک از مؤلفه‌های ویژگی‌های هیات‌مدیره (اندازه هیات‌مدیره، عدم دوگانگی نقش مدیرعامل، استقلال هیات‌مدیره، دانش مالی

هیات‌مدیره، غیرموظف بودن رئیس هیات‌مدیره) بر شفافیت مالیاتی، از معیار ترکیبی ویژگی‌ها نیز استفاده شد.

نتایج آزمون فرضیه اول نشان داد معیار ترکیبی ویژگی‌های هیات‌مدیره (مجموع ویژگی‌ها) بر شفافیت مالیاتی شرکت تاثیر مستقیم دارد و هر چه هیات‌مدیره اندازه، استقلال، دانش مالی، عدم دوگانگی نقش مدیرعامل، و غیرموظف بودن رئیس هیات‌مدیره امتیاز بیشتری اخذ نماید، شفافیت مالیاتی شرکت افزایش می‌یابد. همچنین در سطح مولفه‌ها، ضرایب دو مولفه یعنی اندازه هیات‌مدیره و دانش مالی اعضای هیات‌مدیره تاثیر مستقیم و معناداری بر شفافیت مالیاتی شرکت دارند اما سایر ویژگی‌ها شامل استقلال هیات‌مدیره، عدم دوگانگی نقش مدیرعامل و غیرموظف بودن رئیس هیات‌مدیره تاثیر معناداری بر شفافیت مالیاتی ندارند. نتایج آزمون این فرضیه، همسو با نتایج تحقیقات ادوین و ویکتور (2019) آرمسترانگ و همکاران (2015) عسگری و عظیمی (1397) می‌باشد.

نتایج آزمون فرضیه دوم نیز نشان داد اندازه شرکت تاثیر معنی‌داری بر شفافیت مالیاتی شرکت ندارد. از بین متغیرهای کنترلی نیز اهرم مالی رابطه معکوس و بازده دارایی‌ها رابطه مستقیم با شفافیت مالیاتی دارد؛ اما متغیر زیان‌ده بودن نیز رابطه معناداری با شفافیت مالیاتی ندارد. نتایج آزمون این فرضیه، با نتایج پژوهش کیتیس و همکاران (2019) همخوانی ندارد.

از بین متغیرهای کنترلی نیز اهرم مالی رابطه معکوس با شفافیت مالیاتی دارد و هرچه شرکت وابستگی بیشتری به تامین مالی از محل بدهی‌ها داشته باشد، شفافیت مالیاتی کاهش می‌یابد. همچنین بازده دارایی‌ها رابطه مستقیم با شفافیت مالیاتی دارد و هرچه بازده دارایی‌های شرکت افزایش یابد، شفافیت مالیاتی نیز افزایش می‌یابد.

با توجه به اینکه نتایج پژوهش حاکی از تاثیر مستقیم ویژگی‌های هیات‌مدیره بر شفافیت مالیاتی شرکت‌هاست، به سازمان بورس و اوراق بهادار و نهادهای سیاست‌گذار پیشنهاد می‌شود که رعایت اثربخش الزامات حاکمیت شرکتی در خصوص ترکیب و ساختار هیات‌مدیره را مورد توجه قرار دهند و سرمایه‌گذاران نیز در تصمیم‌گیری‌های خود برای سرمایه‌گذاری، موضوع شفافیت مالیاتی و تاثیر ویژگی‌های هیات‌مدیره بر آن را در نظر گیرند. همچنین با توجه به نتایج

پژوهش مبنی بر تاثیر معنادار اندازه هیات‌مدیره و دانش مالی اعضای هیات‌مدیره بر شفافیت مالیاتی و همچنین اهمیت این ویژگی‌ها در ادبیات حاکمیت شرکتی، توصیه می‌شود نهادهای قانون‌گذاری و نظارتی الزاماتی جهت افزایش تعداد اعضای هیات‌مدیره شرکت‌ها در نظر گیرند. در این رابطه گنجاندن الزام حداقل تعداد اعضای هیات‌مدیره به تعداد 7 نفر برای شرکت‌های بزرگ، در دستورالعمل راهبری شرکتی سازمان بورس و اوراق بهادار می‌تواند بر ارتقای شفافیت مالیاتی در بازار سرمایه موثر باشد.

### ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده‌است.

## منابع

- بحری ثالث، جمال، بهنمون، یعقوب و مددی‌زاده، ابراهیم. (1393). ویژگی‌های هیات‌مدیره و استراتژی مالیاتی جسورانه. *فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت*، 7 (22)، 53-67.
- تقفی، علی، صفرزاده، محمدحسین (1390)، کیفیت سود و ویژگی‌های هیات‌مدیره: تحلیل تجربی، دانش حسابداری، 44، 73-94.
- جلیلی، محدثه و خوشدلی، فاطمه. (1397). گزارش راهبردی شفافیت در نظام مالیاتی ایران. مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری. <http://www.css.ir/>
- خواجوی، شکرالله، ولی‌پور، هاشم و کاویانی‌فرد، هاشم (1397). بررسی نقش و انگیزه هیات‌مدیره در اجتناب از پرداخت مالیات شرکت. *فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری مالی*، 5 (2)، 59-84.
- طایفه، سیامک، دستگیر، محسن، رضایی، فرزین، و احمدی، سعیدعلی. (1398). رتبه بندی عوامل موثر بر اجتناب مالیاتی شرکتی. *حسابداری ارزشی و رفتاری*، 4 (7)، 309-341.
- طباطبائی، معصومه السادات. (1397). رابطه ساختار مالکیت و شفافیت مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس. *پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا*
- عسگری، محمدرضا و عظیمی، نرگس. (1397). رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی، پاداش هیات‌مدیره و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری*، 4 (1)، 179-191.
- کریمی سجاد، محمدی احمد، متقی علی اصغر، عرب‌صالحی مهدی. (1401). ارائه الگویی بر تعیین امتیاز شفافیت مالیاتی شرکتها به روش AHP پژوهشنامه مالیات. 30 (55): 79-106.
- ناظمی، امین، پورعنقا، محمدرضا (1397) بررسی نقش نظارتی هیات‌مدیره در اجتناب مالیاتی شرکت‌های خانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری*، 5 (18)، 83-106.
- نمازی، نویدرضا و جوکار، حسین (1399)، بررسی تأثیر تعدیل کنندگی اندازه شرکت بر رابطه بین مسئولیت پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی، ششمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی، اقتصاد و حسابداری ایران
- همتی، حسن. کاظمی، حسین. رستمی، زینب. (1392). تأثیر ساز و کارهای نظام راهبری شرکتی بر عملکرد مالی و شفافیت اطلاعاتی. *پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی*، 2 (3)، 123-148.

## References

- Alexander, Raqual meyer. (2013). "Tax transparency". <http://dx.doi.org/10.1016/j.bushor.2013.06.003>

- Armstrong, Christopher S., Blouin, Jennifer L., Jagolinzer, Alan D., Larcher, David F. (2015). Corporate Governance, Incentives, and Tax Avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 60(1), 1-17.
- Asgari, Mohammadreza. Azimi. Narges (2018). The Relationship between Corporate Governance Quality, Board Reward, and Tax Avoidance in Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Management Studies and Accounting*, 4(1), 179-191. (in Persian)
- Bahri sales. J. Behnamon, y. Madadzadeh.e. (2015). Board of Directors' Characteristics and Tax Aggressiveness. *Management Accounting*. 7(22), 53-67 (in Persian)
- Balakrishan, k. Blouin, J. Guay, W. (2017). Tax Aggressiveness and Corporate Transparency.
- Chytis, Evangelos et al. (2019). The relationship between tax avoidance, company characteristics and corporate governance: Evidence from Greece. *Corporate Ownership & Control*. 16(4). 77-86.
- Eccleston, R. and Woodward, R. (2014). Pathologies in International Policy Transfer: The Case of the OECD Tax Transparency Initiative. *Journal of Comparative Policy Analysis*, 16 (3), 216-229
- Edwin, Aruobogha. Victor, Odu (2019). Corporate board characteristics and tax aggressiveness: A study of manufacturing firms in Nigeria. *GLOBAL JOURNAL FOR RESEARCH ANALYSIS*, 8(4), 245-251.
- Hemati, Hasan. Kazemi, Hosein. Rostami, Zainab.(2014). The Impact of Corporate Governance Mechanism on Financial Performance and Information Transparency. *Journal of Applied Research in Financial Reporting*, 2(3). 123-148 (in Persian)
- Jalili. Mohadeseh. Khoshdeli, Fatemeh. Strategic Report on Transparency in Iranian Tax System. Presidential Strategic Review Center. <http://www.css.ir/>(in Persian)
- Karimi, Sajjad, Mohammadi , Ahmad, Mottaghi , Aliasghar, Arabsalehi, Mehdi (2023), Presenting a Model on Determining the tax Transparency Score of Companies using the AHP Method, Iranian National Tax Administration, 30 (103)
- Khajavi, sh. valipour, H. Kavianifard, H. (2018). The investigating of the role of the board in tax avoidance firms listed in the Tehran Stock Exchange, *Financial Accounting Knowledge*, 5(2), 59-84 (in Persian)
- Nazemi, Amin. Poorangha, MohammadReza. (2018). Examining the Monitoring Role of the Board of Directors in Tax Aggressiveness of Family Firms Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Iranian Accounting Review*, 5 (18), 83-106. (In Persian)
- Nikbakht, Mohammadreza. Pourhosseini, Jalil (2016). The Relationship between the board of directors structure with Financial Transparency and Voluntary Disclosure, *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 4(16), 69-76. (In Persian)
- Oats, Lynne. Tuck, Penelope (2019). Corporate tax avoidance: is tax transparency the solution? *Accounting and Business Research*. 49 (5), 565-583

- Park, J. Youl Kob, ch. Jungc, H. Lee, Y. (2015). "Managerial ability and tax avoidance: evidence from Korea". *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*. <http://dx.doi.org/10.1080/16081625.2015.1017590>
- Razen, Michael, Kupfer, Alexander (2023), the effect of tax transparency on consumer and firm behavior: Experimental evidence, *Journal of Behavioral and Experimental Economics*, 104
- Saghafi, Ali, Safarzadeh, Mohammad Hosein (2012), Earnings Quality and Corporate Board Features: An Empirical Analysis, *Journal of Audit Science*, 11 (4), (in Persian)
- Smit, A, Smit, R and M. Stiglingh. (2020). the Relationship between Tax Transparency and Tax Avoidance, *South African Journal of Accounting Research*. 50(7): 1-21.
- Tabaie, Masome sadat. (2019). the Relationship between Ownership Structure and Tax Transparency in Listed Companies in Tehran Stock Exchange, M.Sc.Thesis. Alzahra University. (In Persian)
- Tayefeh S, Dastgir M, Rezaee F, Ali Ahmadi S. (2019) The Ranking of Effective Factors on Corporate Tax Avoidance. *Journal of Value and Behavioral Accounting*; 4 (7) :309-341, (in Persian)

#### COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.